

در مذهباً شدن برای رفعتی بآفره
 میروم می زنی جهان انا الیه راجعون
 مسوی حق و در زبان انا الیه راجعون
 آمدن دیروز فردا میروم خواه نخواه
 می جهان آن رفیقان
 دست منی خالی بود ز اعمال غیر کار خیر
 میروم از این مکان
 لیک پردوشم بود بارگناه و رنجها
 چشم امیدم بآن
 دامن آلوده از عیسان حرم جود
 نزد آن خالق روان
 بازها دم ز یاد عمری آنجا بیک زبیر
 تا که شد مرگم عیان
 جان منی آشفته زین اعمال زبیر
 بر منی آشفته جان
 بگذر از این موج عیسان می ای پرور
 شد برها می خزان
 در دلم حب بیجا عرشی هست دیگر
 روزی که شد امیدشان
 دوستی چارده معلوم پاک لم رال
 اختیار دوستی
 راه آل مصطفی راه صراط مستقیم
 هست که شیعان
 هر که در این راه بود باطل و مستور
 سر فراز اندر جهان
 حب آنها حب الله این بود قول رسول
 واجب اندر هر زمان
 خدمت آن رسول الله عزرائی کردن
 همو خدمت لکان